

بسوی سازمانیابی کمونیستی

پیک انترناسیونالیستی، با تصویری از آینده ابراز وجود کرد. تصویری که «پیک انترناسیونالیستی» از اوضاع «آتی» جهان و ایران ترسیم میکرد، اکنون بتدریج پیش روی ما قرار میگردد. نگاهی به ادبیات «تکا» حول مهمترین رخدادهای سیاسی، این حقیقت را عیان میسازد. آنروزها، نه یازده سپتامبری بود و نه جنگ عراق. اما، «پیک انترناسیونالیستی» سخن از آغاز دورانی از جنگ‌های ملی و منطقه‌ای، همچون مشخصه اوضاع جهان آتی راند. اوضاع دنیای امروز، گواه صحت نظریه جریان کمونیستی حول خصلت بحران سرمایه و عواقب سیاسی آن است. روند فاجعه‌باری که تازه در مرحله آغاز آن قرار گرفته‌ایم. جنگ و باز هم جنگ، همچون اصلی‌ترین رویکرد سرمایه برای حل بحران، ادامه خواهد یافت. یا ویرانگری عمومی و یا خیزش‌های کارگری و توده‌ای که کل نظام را به چالش تاریخی دیگری فرا خواهد خواند.

«پیک انترناسیونالیستی» سخن از بحران ساختار سیاسی سرمایه‌داری جهانی و ریزش نظم تا کنونی رانده و عروج اتحادیه اروپا را همچون مهمترین نشانه آن نامید. امری که مکان معینی در استراتژی جنگی آمریکا، برای حفظ نظم و توازن قوای سابق، یافته است.

مکان «چپ» در سیستم سیاسی سرمایه و تغییر تدریجی چهره جناح‌بندی‌های دوران بعد از جنگ جهانی دوم نیز، یکی از نکات مهم خطوط اصلی نظری پیک بوده است. آنزمان، هنوز، بخش اعظم چپ آکادمیک، به جرگه، پسامدرنیسم، و «ساختار شکنی گفت‌مان‌ها» نپیوسته بود. آنزمان، هنوز احزاب چپ، بدنبال مشی کلاسیک خود، سازماندهی طبقه کارگر برای تبدیل کردن آن به سکویی برای پرش به قدرت بودند. هیاهوی رسانه‌ای و بندوبست با محافل قدرت از بالا، جایی در عمل و تئوری‌هایشان نداشت. امروز اما، تلاش برای تهیه «سرمایه» و «اجاره» ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی در کانون‌های بحران، از مجرای مذاکرات غیر رسمی با صادر کنندگان جواز، جزو وظایف روتین، بخشی از چپ‌ها شده‌است.

جریان ما، تنها جریاتی بود که در بحبوحه نامه‌پراکنی «چپ‌ها» به اتحادیه‌های کارگری و سازمان جهانی کار، حمله نظری سیاسی گسترده‌ای را به این جبهه آغاز کرد. درست همانند مسئله ملی.

نگاهی به بقایای گروه‌های ناشی از بحران سیاسی دهه گذشته، بخوبی میزان تاثیر وجود جریان کمونیستی در صحنه سیاست را به نمایش میگذارد. یکی اتحادیه را از حوزه فعالیت عملی خود، بی سروصدا حذف کرد و آن دیگری، در کنگره خود اعلام نمود که مسئله ملی دیگر خصلت مترقی ندارد. چنین اقداماتی، اما نه گامی در نقد گذشته، بلکه الزامی برای چپ ماندن بود.

هشدار «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» در باره، استراتژی جدید جنبش اصلاح‌طلب برای مهار و کنترل جنبش کارگری، نیز یکی از مسائلی بوده است که امروز تبدیل به یک واقعیت عملی شده است. تلاش‌های اولیه محافل اعزامی اصلاح‌طلبان به خارج کشور، برای تبدیل کردن چپ ورشکسته به پشت‌جبهه، با تهاجم انترناسیونالیست‌ها ناکام ماند. «اتحادیه مستقل کارگران ایران» و هیاهوی سازمانیافته آن بعد از انتشار نقد افشاگرانه «تکا» بناگهان، از صحنه سیاست حذف شد. برخی از شرکای این پروژه کوشیدن تا این پدیده را بلوف افرادی غیر جدی جا بیاندازند. «تکا» اما این واقعه را جدی گرفت. تلاش برای سازمان دادن سندیکاها و انجمن‌های صنفی و تولید کردن یک چپ قانونی و مورد اعتماد، که هسته اصلی نقد «تکا» به پروژه «اتحادیه مستقل کارگران ایران» بود، اکنون در هیات یک جنبش گسترده در جامعه ایران ابراز وجود کرده است.

نقد و عقب راندن چپ سرمایه، تنها یک وجه مشخصه حرکت جریان کمونیستی است. آنچه تاکنون شده، تنها آغاز کار است. وجه دیگر پیشروی ما، ارائه مباحث اثباتی، فورموله کردن خط و مشی کمونیستی و شفافیت بخشیدن بر استراتژی و تاکتیک کمونیستی است.

محافل کارگری و مبارز در اینجا و آنجا، در حال نقد و طرد جناح چپ هستند. در شرایطی که امکان تشکیلیاتی منسجم این محافل وجود ندارد، تکلیف مبارزانی که میخواهند، رسالت تاریخی خود را در این نبرد به انجام رسانند، چیست؟

«تکا» کوشیده تا در این مرحله از حرکت، پاسخ به این سوال را در دستور کار خود قرار دهد. بولتن سازمانده، چنین هدفی را دنبال میکند. بخش پیام‌ها و نامه‌ها که در سایت «تکا» فعال شده را نیز باید بدان افزود. اگر بولتن سازمانده بتواند تبدیل به کانون بحث انترناسیونالیست‌ها حول گروهبندی جنبش سیاسی کارگری شود، گام موفقیت‌آمیزی برای اهداف آتی برداشته شده است. در کنار وجود یک مرکز بحث، نیاز به ابزارها و ظرف عملی سازمانیابی کمونیستی، اهمیت فراوان دارد. آلترناتیو «تکا» در باره سازمانیابی غیر حزبی محافل کارگری و مبارزان، متشکل‌شدن آنان بصورت کانون‌های کمونیستی است.

کانون‌های کمونیستی

کانون‌های کمونیستی، آلترناتیو سیاسی تشکیلاتی «تکا» برای سازمانیابی غیر حزبی در شرایط کنونی است. جنبه نظری بحث کانون‌های کمونیستی، بتدریج، از مجرای توضیح تزه‌ای ارائه شده در «بسوی استراتژی سوسیالیستی» پی گرفته خواهد شد.

برخورداری از برداشتی روشن از کانون‌های کمونیستی، می‌تواند در تشکلیابی محافل مبارز، تاثیر بسزایی داشته باشد. کانون‌های کمونیستی، نه هسته‌های تشکلیاتی به معنای سنتی کلمه هستند و نه جمع‌های «هوادار» سازمان. کانون‌های کمونیستی آلترناتیو انترناسیونالیست‌ها در مقابل اشکال سنتی سازمانیابی غیرحزبی هستند. اشکالی که یادگار دوران وجود احزاب بزرگ مترقی و کارگری بود. پیروی از سبک کار سنتی برای یک جریان کمونیستی، نادیده گرفتن درس‌های شکست‌های سهمگین جنبش ما، طی قرن گذشته است. کانون‌های کمونیستی ظرف تشکلیابی اعتراض عدالتخواهانه موجود در جامعه برای ابراز وجود کمونیسم بمثابة یک گرایش اجتماعی طبقاتی، متکی بر درس‌های جنبش طبقه ما است. این کانون‌ها می‌توانند، در جایی، گروه‌های بحث و مطالعه باشند، در جایی جمع‌های پناهنده و سرانجام در جای دیگر محافل کارگری که اعتراضات جاری کارگران را هدایت می‌کنند. برای روشنی مطلب روی همین مثال اخیر تأمل می‌کنیم.

اکنون، در محیط‌های کارگری، موج نیرومندی حول تشکلیابی برآه افتاده است. عده‌ای تحت عنوان جامعه اسلامی کارگران، شروع به سنگ‌اندازی علیه خانه کارگر کرده و میکوشند تا با علم کردن، انجمن‌های صنفی یا جلب شوراهای اسلامی، بحران خانه کارگر را تشدید کنند. اینان طرفداران جناح موسوم به راست در حاکمیت هستند. در کنار این طیف، باندهای «جبهه مشارکت اسلامی» نیز آغاز به حرکتی نیرومند برای «نهادینه کردن جنبش اصلاحات» در جامعه نموده‌اند. اینان از شکست خاتمی و جنبش دانشجویی حامی آن درس گرفته و به سازمان دادن سندیکاهای کارگری روی آورده‌اند. بر اساس نظریه پردازان اصلاح طلب ایران، وجود نهادهای صنفی کارگری، شرط مهمی برای وجود یک جنبش اصلاحات و پیشروی آن است. ابراز وجود کاتدیای اینان، دکتر معین با منشور کارگری‌اش، نشان از همین استراتژی داشت. در منشور کارگری دکتر معین، که بنا بر خبرگزاریها با حضور «فعالین مستقل سندیکایی کشور» تهیه شده بود، ایجاد سندیکاهای صنفی مورد تاکید قرار گرفته بود. بدین‌سان تشکلیات رسمی رژیم برای کنترل مبارزات کارگری از دو سو به چالش فراخوانده شده. راست‌ها و اصلاح‌طلب‌ها. بحران جناح‌ها در بالا، کماکان بر کل جنبش کارگری سیطره داشته و سمت‌وسوی آنرا تعیین می‌کند. علاوه بر باندهای سیاسی یاد شده که تحت نام کارگر یا تشکل صنفی کارگری اهداف خود را دنبال می‌کنند، ده‌ها محفل ریز و درشت نیز بمثابة حشو و زوائد جناح‌های سرمایه، میکوشند تا جای پای در سیستم سیاسی موجود کسب کنند. محافل پیرامون سرحدی زاده و ورشکستگان توده‌ای و اکثریتی، از جمله این طیف هستند. دیگر گروه‌های سیاسی، یا در نقش اهرم فشار همین جناح‌ها، و یا هورا کشان آنها عمل می‌کنند.

سؤال این است: در چنین شرایطی آلترناتیو کارگران کمونیست چیست؟ به بیان دیگر، کانون‌های کمونیستی چه بدیلی در مقابل بدیل بالایی‌ها در پیش‌پای جنبش کارگری قرار می‌دهند؟ با نگاهی به مواضع کمونیستی، درمی‌یابیم که مشی کمونیستی در چنین شرایطی، بویژه در جو پلیسی ایران، سازماندهی مبارزات کارگری از طریق مجامع عمومی و انتخاب هیات‌های نمایندگی است. هیات‌هایی که هر لحظه قابل عزل بوده و بر حرکت کل طبقه متکی می‌باشند. وجه مشخصه دیگر مشی کمونیستی، شکل دادن به گروه‌ها و محافل مخفی کارگری است. بر همین مبنا، کلیه کارگرانی که با شناخت از ماهیت جست‌وخیزهای وابستگان جناح‌ها، خواستار بدیل کمونیستی هستند، عناصر تشکیل کانون کمونیستی در محیط کار می‌باشند. کانون‌هایی که در مقابل تشکل صنفی، مبارزه سیاسی صنفی، در مقابل ساختار دائمی صنفی، ساختار متکی بر مجمع عمومی و در مقابل رفرمیسم و قانونیت، تاکتیک‌های انقلابی محافل مخفی کارگری را قرار می‌دهد. به عبارت دیگری این کانونها تلاش خواهند کرد که خود را خارج از چارچوب قوانین سازمان دهند و مبارزات کارگری را در جهت مخالف، مدافعان قوانین جمهوری اسلامی سوق دهند. کانونها با قراردادن دورنمای مبارزات خود بر نقد انقلابی سرمایه‌داری از حل شدن در سیستم سیاسی سرمایه مصون مینمایند. این درحالی است که تشکلهای صنفی و سندیکایی یا از ابتدا توسط خود سیستم سیاسی سرمایه داری سازمان داده میشوند یا حتی در صورت وجود سوسویی از حرکت غیر کنترل شده، بسرعت در دستگاه سیاسی بورژوازی تحلیل می‌روند.

کانون‌های کارگری، بنا به تعریف، گروه‌های بحث و مطالعه نیز می‌باشند. موضوع بحث و مطالعه چنین محافلی می‌تواند، مسئله تشکلهای دائمی طبقه کارگر باشد. موضوعی که چشم انداز نوین و روشنی از مبارزه را در مقابل پیشروان کارگری قرار می‌دهد. بدین ترتیب نفس وجود افرادی که به افشای اهداف سندیکاچی‌ها پرداخته و خواستار تشکیل هیات نمایندگان شوند، می‌تواند، نقطه شروع تشکیل کانون کمونیستی گردد. مهم نیست که این کانون خود را چه مینامد یا چگونه تعریف می‌کند. مهم این است که آلترناتیو کمونیستی برای پیشبرد مبارزه طبقاتی را در مقابل آلترناتیو بالایی‌ها قرار می‌دهند. پیوستن و حضور فعالین چنین کانونی به صف تشکل کمونیستی امری مربوط به تکامل مبارزه طبقاتی و رشد جریان کمونیستی است. مسئله اساسی وجود یک چشم‌انداز کمونیستی برای پیشروی مبارزه طبقاتی است.

آلترناتیو انترناسیونالیستی

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست، عزم آن دارد تا مباحث مربوط به گروه‌بندی انترناسیونالیستی را در دو مسیر موازی پیش برد. اول مباحث نظری مربوط به سازمانیابی کمونیستی. دوم: مباحث عملی و تشکیلاتی در حوزه نظری، «تکا» میکوشد تا نیروی خود را روی پروپلماتیک‌های تاریخی جنبش سیاسی پرولتری متمرکز سازد. پاسخگویی به معضلات نظری جنبش کمونیستی را نباید تا سرحد، جدل بر سر فلان موضع سیاسی با گروه بغل‌دستی تنزل داد. جنبش سیاسی پرولتری خط‌ومشی روشنی در حوزه استراتژی و تاکتیک سیاسی ندارد. در میان گروه‌های کمونیستی، جز طیف بوردیگیستها، بحث حول برنامه کمونیستی، رایج نیست. جنبش انترناسیونالیستی، هنوز قادر به ابراز وجود جدی در برابر گرایش‌ها و جریان‌های فکری چند دهه اخیر نشده است.

گروه‌های کمونیستی کوچک باید از رخوت سیاسی فکری بدر آمده و وارد این میدان شوند. طرح پروپلماتیک‌های نظری، میتواند در راستای این هدف قرار گیرد. معضلات نظری جنبش کمونیستی نه معضلات محلی و گروهی، بلکه معضلاتی در حوزه جدال تاریخی پرولتاریا با طبقه حاکم هستند. از همین رو، یکی از شرایط بیرون آمدن جنبش سیاسی پرولتری، از انزوای ترندهای کوچک فکری، ابراز وجود نظری در میدان جدال فکری در خط مقدم مبارزه است. ابراز وجود جنبش انترناسیونالیستی در حوزه نظری، چشم انداز و زبان مشترکی میان گرایش‌ها و گروه‌های پراکنده ایجاد میکند.

بعنوان مثال، بر اساس جمع‌بندی «تکا» از ارتباط و مباحثاتش با گروه‌های کمونیستی اروپا، تاثیر پذیری اینان از اروسنتریسم، یک مانع جدی در راه شکل‌گیری یک دیالوگ با ثبات، میان «تکا» و گروه‌های مزبور بوده است. این معضل ایدئولوژیک در مشی سیاسی و مباحث نظری گروه‌های یاد شده نیز به چشم میخورد. تا آنجا که به پدیده اروسنتریسم بر میگردد، کل ادبیات چپ کمونیست نشان میدهد که این مفهوم در حوزه‌های سیاسی، فلسفی و علمی، مفهوم چندان آشنایی در ادبیات این گروه‌ها نیست.

پس بحث نظری حول اروسنتریسم، اتحادیه اروپا و بحران ساختاری، در کنار معضلاتی مانند مکان تاریخی حزب و رابطه آن با طبقه در دوران گذار، ساختار و مشی حزب انترناسیونالیستی، استراتژی و تاکتیک آن، نکاتی هستند که باید برای سازمانیابی انترناسیونالیستی بدانها پرداخت.

سازمانیابی انترناسیونالیستی جنبش سیاسی پرولتری، امری محدود به مسائل سازمانی این یا آن گروه نیست. سازمان‌های جنبش انترناسیونالیستی، باید این روند را، روندی متعلق به طبقه کارگر تلقی کرده و بر مسئولیت خود در این مسیر آگاه باشند. سبک کار «تکا» در این مسیر، نه فقط ایجاد زبان و متدی مشترک در حوزه نظری، بلکه تلاش برای دستیابی به آلترناتیو مشترک نیز میباشد. تلاش ما در گذشته برای تاثیرگذاری بر بوروی انترناسیونال، متشکل از سازمان کارگران کمونیست در انگلستان و حزب کمونیست انترناسیونالیست در ایتالیا، قرین موفقیت نگشت. این اما به معنای رها کردن چنین تلاشی نیست. بعکس «تکا» باید معضلات مورد نظرش در حوزه‌های نظری و تشکیلاتی، را به شکلی جدی‌تر در پیش‌پای این گروه‌ها قرار دهد. آنگاه، این گروه‌ها ناگزیر میشوند تا جهتگیری خود در قبال معضلات پیش‌رو را، روشن سازند. تنها پس از برداشتن چنین گامی است، که زمینه‌های حرکت بسوی یک گروه‌بندی جدی انترناسیونالیستی، فراهم میگردد.

تا آنجا که به مشی «تکا» در ایران برمبگردد، تنها راه برای ارائه آلترناتیو انقلابی، سازمانیابی نسل جدیدی از مبارزان است. امری که در شرایط فعلی و با عروج طیف جدیدی از جنبش اصلاح طلب، به تاخیر می‌افتد. جهت‌گیری انقلابی فعالان سیاسی، منوط به برش آنان از مواضع چپ است. در عین حال نباید از نظر دور داشت که برداشت سطحی از چنین موضعی، میتواند به ذهنی‌گری و مشی سیاسی تخریبی بیانجامد. سخن بر سر پلاتفرم‌ها و جریان‌های تاریخی است. نادیده گرفتن این مسئله، میتواند به تخطئه تلاش محافظی بیانجامد که در شرایط عینی موجود، بدنبال بدیل کمونیستی هستند. در غیاب سنن کمونیستی، تلاش‌های فراوانی از سوی افراد و محافظ مبارز برای شکل دادن به بدیل کمونیستی صورت گرفته است. چنین گرایشی در ادبیات «تکا» تحت عنوان «جریان انتقادی درون جنبش کارگری» نام گرفته است. جریانی که «تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» خود را محصول نضج تاریخی آن در بعد از عروج جنبش شورایی در قیام پنجاه و هفت میدانند.

سبک کار تشکیلات کارگران انترناسیونالیست، با هدف انتقال جریان کمونیستی، از ترند فکری به جنبش سیاسی مبتنی بر چنین نگرشی است. تشویق عناصر مبارز به ایجاد گروه‌های بحث و مطالعه، شکل دادن بولتن‌های بحث و مکاتبات بر بستر مطالعات سازمانیافته گام‌هایی است در این راستا. بولتن سازمانده، یکی از ابزارهای «تکا» برای پیشبرد اهداف یاد شده است.

«تشکیلات کارگران انترناسیونالیست» کلیه انترناسیونالیست‌ها و مبارزان جنبش کارگری را به دخالت فعال در مباحث بولتن سازمانده فرا میخواند.

بسوی سازمانیابی انترناسیونالیستی جنبش سیاسی کارگری، بسوی کمونیسم